

۲۰۱۹۶۲۶

شوی معنوی

دفتر سوم

مولانا جلال الدین محمد بلخی

بر اساس نسخه رینولد نیکلسون

به کوشش:

احمد ایمان زاده

www.ketab.ir

سرشناسه	: مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ق.
عنوان قرارداد	: Masnavi.Section مثنوی، برگزیده
عنوان و نام پدیدآور	: دفتر سوم مولانا جلال‌الدین محمد بلخی بر اساس نسخه رینولد نیکلسون/ به کوشش احمد ایمان‌زاده ؛ ویراستار اعظم دوابی.
مشخصات نشر	: تهران: کلک فرزانه، ۱۳۹۸.
مشخصات طاهری	: ۳۰۰ ص.: ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۳-۶۵۷۸-۱۳-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتاب حاضر برگزیده‌ای از کتاب " مثنوی معنوی " اثر مولوی است.
عنوان دیگر	: دفتر سوم مولانا جلال‌الدین محمد بلخی بر اساس نسخه رینولد نیکلسون.
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۷ق.
موضوع	: Persian poetry ۱۳th century --
شناسه افروده	: نیکلسون، رنلد الین، ۱۸۶۸ - ۱۹۴۵م، مصحح
شناسه افروده	: Nicholson, Reynold Alleyne
شناسه افروده	: ایمان‌زاده، احمد، ۱۳۷۰ - گردآورنده
رده بندی کنگره	: ۵۲۹۹PIR ت ۱۳۹۸ /۱
رده بندی دیویی	: ۳۱/۱۹۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۵۷۲۴۲۳



کلک فرزانه

آدرس:

تهران، خیابان برادران گوهری ده متری
ارامنه کوچه شهید محمودی بلاک ۲ طبقه ۴

تلفن: ۸۸۴۷۰۲۵۲

نام کتاب: مثنوی معنوی

دفتر سوم

مولانا جلال الدین محمد بلخی

به کوشش: احمد ایمان زاده

صفحه آرای: محمد علیزاده

ویراستار: اعظم دوابی

ناشر: انتشارات کلک فرزانه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۲۳-۶۵۷۸-۱۳-۴

قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

فهرست

۱۳	بسم الله الرحمن الرحيم
۱۵	قصه‌ی حورندگان پیل بچه از حرص و ترک نصیحت ناصح
۱۸	بنیادی قصه‌ی معرضان پیل بچه‌گان
۱۹	بازگشتن به حکایت پیل
۲۷	بیان آنکه خطای محبان بهتر از صواب بیگانگان است
۲۳	امر حق تعالی به موسی که مرا به دهانی خوان که
۲۳	بیان آنکه الله گفتن نیازمند عمل نیک گفتن حق است
۲۵	فریفتن روستایی شهری را و به دعوت خواندن به لایه و
۲۷	قصه‌ی اهل سبا و طاعی کردن نعمت ایشان را
۲۸	جمع آمدن اهل اُفت هر صباحی بر در صومعه‌ی عیسی
۳۱	باقی قصه‌ی اهل سبا
۳۳	بنیادی داستان رفتن خواجه به دعوت روستایی سوی دینه
۳۴	دعوت باز بخت را از آب به صحرا
۳۶	قصه‌ی اهل خردان و حیلت کردن ایشان تا بی رحمت
۳۷	روان شدن خواجه به سوی دینه
۳۸	رقص خواجه و قهرش به سوی دینه
۴۰	تراختن محبت آن سگ را که مقیم کوی بیبی بود
۴۱	رسیدن خواجه و قدمش به ده و نادیده و ناستاختن
۴۶	افتادن شعل در خم رنگ و رنگین شدن و دعوی
۴۷	جرب کردن مرد لافی لب و سبب خود را هر بامداد به
۴۸	آدمان خوردن بنعم بر عود که امتحان‌ها کرد حضرت و از آنها

- ۴۹ دعوی طاف و می کرد آن شعل که در خم صباغ افتاد.
- ۴۹ تشبیه فرعون و دعوی الوهیت او بدان شعل که دعوی
- ۵۰ تفسیر «وَلَنَعْرِضَنَّهُمْ لِنُحْسِ الْقَوْلِ»
- ۵۰ قصه ی هاروت و ماروت و دلیری ایشان بر امتحان حق تعالی
- ۵۳ قصه ی خواب دیدن فرعون آمدن موسی را و ندانک
- ۵۳ به میدان خدایان بنی اسرائیل را برای حسنت
- ۵۳ حکایت
- ۵۴ بازگشتن فرعون از میدان به شهر شامه بطرف بنی اسرائیل از
- ۵۲ جمع آمدن مردم آن اقدار موسی و حامیه شدن مادر موسی
- ۵۵ وصیت کردن حیان حلف و بعد از مجامعت که میرا
- ۵۵ ترسیدن فرحید از آن بانگ
- ۵۶ پیدا شدن مادر بنی موسی بر اسماعیل فرعون مستحبات
- ۵۶ خوابیدن فرعون روان را و او را سوزی شدن دم جهت مگر
- ۵۸ به وجود آمدن موسی و آمدن خوابان به حان بنی عمران و
- ۵۱ وحی آمدن به مادر موسی که موسی را در آب افکن
- ۵۹ حکایت مادر که از دهانی سوزده را مرده بداندست و در
- ۶۳ تهدید کرده فرحید موسی را
- ۶۳ جواب موسی از خواب را در تهدیدی که می کردندش
- ۶۴ پاسخ فرعون موسی را
- ۶۴ جواب موسی از خواب را
- ۶۴ جواب فرعون موسی را و وحی آمدن موسی را
- ۶۵ بهشت داد موسی فرعون را آن ساحران را جمع کند
- ۶۷ فرستادن فرعون به مداین در طلب ساحران
- ۶۸ خواندن آن در ساحر بذر را از گور و رسیدن از روان بذر
- ۶۹ جواب گفتن ساحر مرده یا فرزندان خود
- ۶۹ تنبیه کردن قرآن مجید را به عصای موسی و وفات
- ۷۱ جمع آمدن ساحران از مداین پیش فرعون و تشریف ها یافتن

۸۲. اختلاف کردن در جانگیری و شکن بیل
۸۷. بر قفس میان این دو حدیث که «الارض ما لکم کثیر»
۸۸. مثل در بیان آنکه حیرت مانع بحث و فکر است
۸۸. حکایت
۸۹. داستان شیعوئل شدن عاشقی به عشق نامه خواندی و مطلقه
۹۱. حکایت آن شخص که در عید داوود شب و روز دعا
۹۲. دو بدن گاو در خانه‌ی آن دعا کننده به الحاح قال انکلی
۹۳. عذر گفتن نظم کننده و مدد خواستن
۹۴. بیان آنکه علم را دو پیر است و گمان را یک پیر است ناقص
۹۴. مثال رنجور شدن آدمی به وهم تعظیم خلق و رعیت
۹۵. عنوان خلق متفاوت است در اصل فطرت و نژاد
۹۵. در وهم افکندن کودکان استاد را
۹۶. بهار شدن فاعول هم به وهم از تعظیم خلفان
۹۶. رنجور شدن استاد به وهم
۹۷. در جامه‌ی خراب افتادن استاد و نالیدن او از وهم رنجوری
۹۷. دوم بار در وهم افکندن کودکان استاد را که او را از قرائن
۹۸. خلاص یافتن کودکان از مکتب بدیل مکرر
۹۸. رفتن مادران کودکان به عبادت اوستاد
۹۹. در بیان آنکه نل روح را چو نباسی ست و این دست است
۹۹. حکایت آن درویش که در گوه خلوت کرده بود و بیان
۹۰. دیدن زرگر عاقبت کار را و سخن بر وفق عاقبت گفتن بی
۹۰. پتینه‌ی قضه‌ی آن راهز کوهی که نذر کرده بود که مپوهی
۹۱. تشبیه بند و دام قضا به صورت پنهان به اثر پیدا
۹۲. مضطرب شدن قنبر نذر کرده به کندن امروز از درخت
۹۳. فهم کردن آن شیخ را با دزدان و بریدن دستانش را
۹۴. کرامات شیخ افطع و زبیل یافتن او به دو دست
۹۴. سبب جرئت سحران در عون بر قطع دست و پا

- ۹۶ شکایت استبر پس مشترکه من بسیار در رو می افتم و تم
- ۹۶ اجتماع اجزای خر عوثر بعد از بوسیدن به اذن الله و درهم
- ۹۷ جزء ناکردن تسخیر بر سرگ فرزندان خود
- ۹۸ عدم گشتن تیغ بهر ناگريستن بر سرگ فرزندان خود
- ۱۰۰ قضای خواندن شیخ ضریر مصحف را در روز و بینا شدن
- ۱۰۰ صبر کرد لزمان چون دید که داوود حلقه ها می ساخت از
- ۱۰۱ بقیه حکایت ناپینا و مصحف
- ۱۰۲ صفت بعضی اویا که راضی اند به احکام و دعا
- ۱۰۲ سوال کردن پند آن درویش را
- ۱۰۴ قضای دفرقی و کراماتش
- ۱۰۵ بازگشتن به قضای دفرقی
- ۱۰۶ بر طلب کردن موسی خضر را با کمان نیات و قربت
- ۱۰۶ بازگشتن به قضای دفرقی
- ۱۰۷ نمودن مثال شمع شمع سوی ساحل
- ۱۰۷ شدن آن هفت شمع بر مثال یک شمع
- ۱۰۸ نمودن شمع ها در نظم هفت مرد
- ۱۰۸ باز شدن آن شمع ها هفت درخت
- ۱۰۸ محقق بودن آن درختان از چشم خلق
- ۱۱۰ یک درخت شدن آن هفت درخت
- ۱۱۰ هفت مرد شدن آن هفت درخت
- ۱۱۱ بیش رفتن دفرقی به امامت
- ۱۱۳ بیش رفتن دفرقی به امامت آن قوم
- ۱۱۴ اقتدا کردن قوم از پس دفرقی
- ۱۱۵ بیان اشارت سید سیدی دست راست در قیامت از هیبت
- ۱۱۶ شنبیدن دفرقی در میان بنابر افعان آن گشتی که غرق
- ۱۱۷ تصورات مرد حرم
- ۱۱۷ دعا و شفاعت دفرقی در خلاص کشنی

- ۱۲۰ انکار کردن آن جماعت بر دعا و شفاعت دوقوی و بریدن
- ۱۲۲ باز شرح کردن حکایت آن طائف روزی حلالی بر کس
- ۱۲۲ رفتن هر دو خصم نزد داوود پیغامبر ۷
- ۱۲۵ شنیدن داوود سخن هر دو خصم و سؤال کردن
- ۱۲۵ حکم کردن داوود بر کشته‌ی گاو
- ۱۲۶ قضیه آن شخص از داوود داوود
- ۱۲۷ در خلوت رفتن داوود آنجه حق است پیدا شود
- ۱۲۷ حکم کردن داوود بر صاحب گاو که از سر گاو برخیزد
- ۱۲۷ حکم کردن داوود بر صاحب گاو که جمله‌ی مال خود
- ۱۲۸ عزم کردن داوود به خواندن خلق بدان صحرا که راز
- ۱۲۹ گدایی دادن دست و پا و زبان بر سر طالم هم در دنیا
- ۱۲۹ بیرون رفتن خلق به سوی آن درخت
- ۱۳۰ قصاص فرمودن داوود خوبی را بعد از الزام حجت بر او
- ۱۳۱ بیان آنکه نفس آدمی به جای آن خوبی است که مدعی گاو
- ۱۳۲ گریختن عیسی فراز کوه از احمقان
- ۱۳۵ قصه‌ی اهل سبا و حماقت ایشان و اثر ناکردن
- ۱۳۷ شرح آن کور دوربین و آن کر تیر شنو و آن برهنه‌ی
- ۱۳۸ صفت خرامی شهر اهل سبا و نالگری ایشان
- ۱۳۸ آمدن پیغامبران از حق به نصیحت اهل سبا
- ۱۴۰ معجزه خواستن قوم از پیغامبران
- ۱۴۱ دشمن داشتن قوم انبیا را
- ۱۴۲ حکایت خردگمان که خرگوشی را به رساندن پیکانی
- ۱۴۲ جواب گفتن انبیا طعن ایشان را و مثل زدن ایشان را
- ۱۴۴ بیان آنکه هر کس را نرسد مثل آوردن خاصه در کارایی
- ۱۴۴ مثل ها زدن قوم نوح به استهرا در زمان کشتی ساختن
- ۱۴۵ حکایت آن درد که می پرسیدندش که چه می کنی بگو
- ۱۴۵ جواب آن مثل که منکران گفتند از رساندن خرگوش

- ۱۴۷ معنی حرم و دامن مرد حرام
- ۱۴۸ و حکایت کن آن مرغ که نیک حرام کرد از حیل و هوا
- ۱۴۹ حکایت نذر کردن سگان هر داستان که این ناپسند
- ۱۴۹ منع کردن منکران انبیا را از صحبت کردن
- ۱۵۰ جواب انبیا هر جبریان را
- ۱۵۰ مکرر کردن کفران حجت های جبریان را
- ۱۵۱ باز جواب ابیب انبیا را
- ۱۵۲ مکرر کردن در اعتراض لزجید بر انبیا
- ۱۵۲ باز جواب انبیا
- ۱۵۳ حکمت افروختن دوزخ آن جهان و زندان این جهان
- ۱۵۴ بیان آنکه حق تعالی صورت ملوک را سبک مسخر کردن
- ۱۵۵ قضای عین الله فی هر سفره ی تهی
- ۱۵۶ مخصوص حق تعالی به جسدین جام حق از روی
- ۱۵۱ حکایت امیر و ملائیس که سوارواره بودند بر عظیم
- ۱۵۸ توفیق شدن آن در قبول و سیرابی منکران فرقه
- ۱۵۹ بیان آنکه اعدای منفذ خوف است و رحا
- ۱۵۹ بیان آنکه رسد فرمود «ان الله تعالی اولی الخلق»
- ۱۶۰ حکایت منسب در سوار بر آتش انداختن امیر و تاسیر خشن
- ۱۶۱ قضای فرشتگان رسد کاروان عرب را که از سنگی
- ۱۶۲ منک آن سلام بر غیب برسد کرد به معجزه و آن
- ۱۶۳ دیدن خواجه عام خود را سید و تاسا حس که اوست و گفتن
- ۱۶۴ بیان آنکه حق تعالی هر چه داد و آفرید از سموات
- ۱۶۵ آمدن آن زن که بر باطن شیرخواره به نزدیک مصطفی و
- ۱۶۶ بودن غلبه بر روی مصطفی و بودن بر هوا و نگون
- ۱۶۷ وجه غیر از امیر از این حکایت و نقل دانستن که
- ۱۶۷ استدعای آن مرد از موسی زبان بهایم با ظهور
- ۱۶۸ وحی آمدن از حق تعالی به موسی که پیامبرش چیزی

- ۱۶۹ قناع شدن آن صائب به تعلیم زبان مرغ خانگی و سنگ و
- ۱۶۹ جبرام خرمس سنگ را
- ۱۷۰ حیل گشتن خرمس پیش سنگ به سبب دروغ شدن
- ۱۷۱ خس کردن خرمس از سرگ حواجه
- ۱۷۲ درویدن آن شخص به سوی موسی به رهنما چون از خرمس
- ۱۷۳ دعا کردن موسی آن شخص را تا به ایمان رود از دشمن
- ۱۷۳ اجابت کردن حق تعالی دعای موسی را
- ۱۷۴ حکایت آن رن که فرزندانش نمی زیست بنامید جواب آمده که
- ۱۷۵ در آمدن حمزه در جنگ بی رده
- ۱۷۵ جواب حمزه مر خلق را
- ۱۷۶ حیلای دفع مغیور شدن در بیع و شرا
- ۱۷۹ وفات یافتن بلال با شادی
- ۱۸۰ حکمت ویران شدن آن به سرگ
- ۱۸۰ تشبیه دنیا که به ظاهر قراح است و به معنی تنگ
- ۱۸۱ بیان آنکه هر چه غفلت و غم و کاهلی و تاریکی است
- ۱۸۳ تشبیه نفس با قیاس
- ۱۸۳ آداب المستمعین و الماریض عند فیض الحکمة
- ۱۸۴ شناختن هر حیوانی بری عذو خود او و حذر کردن
- ۱۸۵ فرق میان دانستن چیزی به مثال و تقلید و میان
- ۱۸۶ جمع و توفیق میان نفس و اثبات یک چیز از
- ۱۸۶ مسئلهای فنا و بقای درویش
- ۱۸۷ قصه ای وکیل صدر جهان که متهم شد و از یحیایا گریخت
- ۱۸۸ پیدا شدن روح القدس به صورت آدمی بر مریم
- ۱۹۱ گفتن روح القدس مریم را که من رسول ختم به تو
- ۱۹۲ عزم کردن آن وکیل از علق که رجوع کند به سخارا لایقانی و از
- ۱۹۳ برسدن معشوقی از عاشق غریب خود که از شهره کدام شهر
- ۱۹۳ منع کردن دوستان او را از رجوع کردن به بخارا

۱۹۴. لایانی گفتن عاشق ناصح و عادل را از سر عشق
۱۹۵. رد نهادن آن بیدوی عاشق سبوی بخارا
۱۹۶. در آمدن آن عاشق لایانی در بخارا و تهدید کردن
۱۹۷. جواب گفتن عاشق عادلان و تهدید کنندگان را
۱۹۸. رسیدن آن عاشق به معشوق خویش چون
۱۹۸. صفت آن مسجد که عاشق کش بود و آن عاشق
۱۹۹. مهمان آمدن در آن مسجد
۱۹۹. ملامت کردن اهل مسجد آن مهمان عاشق را از شب
۲۰۰. جواب گفتن عاشق عادلان را
۲۰۰. عشق جالینوس بر این حیات دنیا بود که هنر او همین جا
۲۰۲. دیگر باز ملامت کردن اهل مسجد مهمان را از
۲۰۴. گفتن شیطان فریض را که به جنگ احمد آید که
۲۰۶. مکر کردن عادلان بند را بر آن مهمان آن مسجد مهمان کش
۲۰۶. جواب گفتن مهمان ایشان را و مثل آوردن به دفع کردن
۲۰۹. تمثیل گریختن مومن و بی صبری او در بلا
۲۱۱. تمثیل صابر سمان مومن چون بر شمر و حسر بالا افتد شود
۲۱۱. عذر گفتن کدبان با بخود و حکمت در چاش
۲۱۲. باقی قضیه مهمان آن مسجد مهمان کش و ثبات و صدق او
۲۱۳. ذکر خیال بد اندیشیدن فاضل مهمان
۲۱۳. تفسیر این خبر مضطبی که نذر آن طهر و حق
۲۱۴. بیان آنکه رفتن آتیا و اولیا به کمرها و غارها جهت پنهان
۲۱۴. تشبیه صورت اولیا و صورت کلام اولیا به صورت
۲۱۵. تفسیر نا حجابی موعه و انطیق
۲۱۶. جواب طعنه برنده در مثنوی از قصور قیه خود
۲۱۶. مثل ردن در رسیدن گزیدی است از آب غم ردن
۲۱۷. بیهی ذکر آن مهمان مسجد مهمان کش
۲۱۸. تفسیر آیت را کانت علیهم تحقیق و رختک

- رسیدن بزرگ طلسمی نیم شب مهمان مسجد را ۲۱۹
- ملاقات آن عاشق با صدر جهان ۲۲۰
- جذاب هر عنصری چش خود را که در ترکیب ۲۲۲
- مسجذب شدن جان نیز به عالم ارواح و تقاضای او و میل او به ۲۲۳
- فسخ غرایم و تقضی جهت باخبر کردن آدمی را از ۲۲۴
- نظر کردن پیغامبر به اسیران و تبسم کردن و ۲۲۵
- تفسیر این آیت که اَنْ تَسْتَبْشِرُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ اَلْبَشَرُ (الاید) ای ۲۲۵
- سن آنکه بی مراد بازگشتن رسول از حدیبیه حق تعالی ۲۲۶
- تفسیر این خبر که مصطفی فرمود لا تُنْصَلُونِی عَلَی ۲۲۷
- آنکه شدن پیغامبر از طعن ایشان پر شماعت او ۲۲۸
- بیان آنکه طاعی در عین قامری متهور است و در ۲۲۹
- جذاب معشوق عاشق را مِنْ حَيْثُ لَا يُعْلَمُهُ الْعَاشِقُ ۲۳۱
- دعا خواستن بنده از یاد به حضرات سلیمان ۲۳۲
- امر کردن سلیمان بندهی مطلق را به احضار ۲۳۳
- تواخس معشوق عاشق بیهوش را قافیه هوش باز آید ۲۳۴
- به خویش آمدن عاشق بیهوش و روی آوردن به تن ۲۳۵
- حکایت عاشقی دراز هجرانی و بساز امتحانی ۲۳۸
- یافتن عاشق معشوق را و بیان آنکه جوینده یابنده ۲۳۹

مقدمة

الحكم جلود الله يقوى بها ارواح الفريدين نوره علمهم عن شايبة الجهل وعذتهم عن شايبة الظلم وجودهم عن شايبة الريا وحسبهم عن شايبة السفه و يقرب اليهم ما بعد عنهم من فهم الآخرة ويسر لهم ما عسر عليهم من الطاعة والاجتهاد و هني من بليات الاسباب عليهم السلام دلائلهم تخبر عن أسرار الله و تسلطانه المخصوص بالعارفين وإدارته الفلك الثوراني الرحمان الذري الحاكم على الفلك الذخاني الكروي كما أن العقل حاكم على النفس البشرية و حواسها الظاهرة و الباطنة فذوران ذلك الفلك الروحاني حاكم على الفلك الدخاني و المشهات الزاهرة و النجس البترة و الرياح المُنشِية و الاراضى المُنحِية و المياه المنطردة فمع الله بها عبادة و زادهم فهمها و ألما بفهم كل قارئ على قدر سمعته و يتسلك الناسك على قدر قوة اجتهاده و تسمى النفس سباع رايه و يتصدق المتصدق بقدر قدرته و يحرق المادى بقدر موجوده و يتسمى المخود عليه ما عرف من فضله و لكن لمقتضى الماء فى الدنياه لا يتصور له عن طيله عريته ما فى البحار و يجد فى طلب ماء هذه الحيوة قبل ان يقطع ساعدها المشغل عنه و عوقه العلة والحاجة و تحول الأغراض بينه و بين ما يتسوق اليه و لم يدرك العلم يؤثر حوى و لا راكل إلى ذعة فهذا و لا متصرف عن طيله و لا خائف عن نفسه و لا منهم لمعيشة الا ان يعود بالله و يؤثر دينه على دنياه و يأخذ من كثير الحكمة و لا يزال العظيمة التي لا تكسده و لا تؤزرت سرات الاشواق و الانوار الجليلة و الجواهر الكريمة و الطييع المسمية شاكرا لنفسه معظما لقدر مجللا لخطره و يستعيد بالله من حساسة الحفوظة و من جهل يستكثر القليل مما يرى فى نفسه و يستقل الكثير العظيمة من غيره و يعجب بنفسه بما لم يأذن له الحق و على العالم القاطب ان يتعلم ما لم يعلم و ان يعلم ما قد علم و يرقى بذوى الضعف فى الذهن و لا يعجب من بلادة اهل البلادة و لا يعجب على كمال انهم كذلك فكلهم من قبل فضل الله عليكم سبحانه و تعالى عن اقاويل

